

از تاریخ دانش و فن آرامگاه توتان خامون

برگردان: پرویز شهرياری

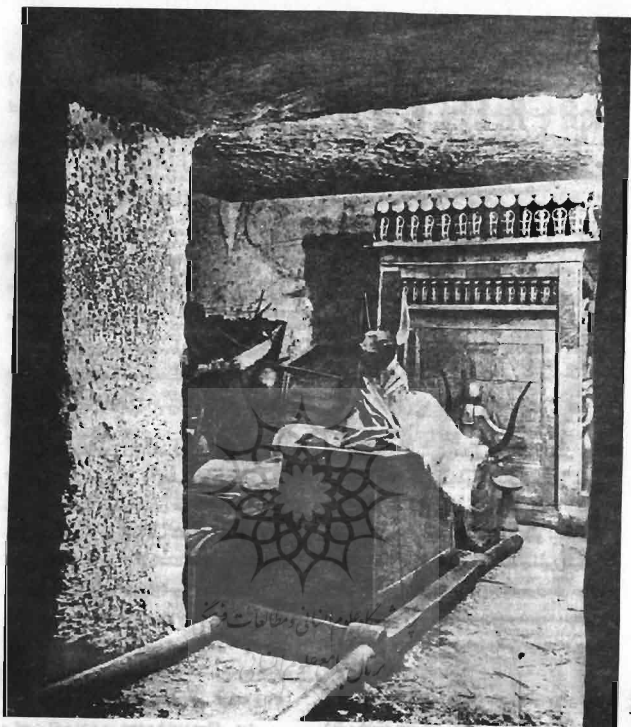
بیش از هشتادسال از زمانی که «هوارد کارتر»، باستان‌شناس انگلیسی، آرامگاه «توتان خامون» را کشف کرد، می‌گذرد. گنجینه‌هایی که در این آرامگاه پیدا شد، هم‌اکنون در موزهی قاهره نگهداری می‌شود. این بازیافت‌ها را در پاریس، لندن، مسکو و لنین‌گراد به‌نمایش گذاشتند. در این‌جا، «ای. کاتسلون» مصرشناس و دکتر در دانش تاریخ دربارهی آگاهی‌هایی که از زمان توتان خامون در دست است و همچنین دربارهی چگونگی کشف این آرامگاه توضیح می‌دهد.

برداری از شکل زمینی زندگی بود. آن‌ها هستی خود در جهان دیگر را، دنباله‌ی زندگی زمینی خود می‌دانستند. اگر در آرامگاه توتان خامون، که از نظر مساحت و تعداد بناها، کم و بیش کوچک و ساده است (تعداد بناها از چهار تجاوز نمی‌کند)، چنین ترویجی بی‌حساب پیدا می‌شود، پس آرامگاه فرعون‌های دیگر، از چه گنجینه‌هایی می‌توانست پر شود؟ برخی آرامگاه‌های سلطنتی، کاخ‌های واقعی بودند که ده‌ها اتاق و بنا و گذرگاه داشتند.

مسالهی تأمین هرچه بیش‌تر مردگان در جهان دیگر، همیشه به‌وسیله‌ی خطری تهدید می‌شد: نه سوگندهای وحشتناک، نه کوه‌های هرمی که با دست ساخته می‌شد، نه دام‌های پنهان، نه اتاق‌های بسته، نه راه‌روهای پنهان و گاه دروغین و نه نگهبانان هوشیار، هیچ‌کدام نمی‌توانست آرامگاه‌ها را از دستبرد دزدان در امان نگه دارد.

بیش از پیدا شدن آرامگاه توتان خامون، چه آگاهی‌هایی درباره‌ی او داشتیم؟ در کامل‌ترین شرح‌های مربوط به مصر باستان هم اشاره‌های اندکی به‌او شده است. و این، موجب شگفتی هم نیست. این آگاهی‌ها تنها حاکی از آن است که توتان خامون پرستش خدای بزرگ کشور را احیا کرد. مجسمه‌ی این خدا، همراه با مجسمه‌ی فرعون جوان همراه با چند طلسم و شیء دیگر، پیدا شده است. این‌ها، همه‌ی آگاهی‌هایی است که درباره‌ی سلطنت نه‌ساله‌ی توتان خامون به‌ما رسیده است. او هنوز کودک بود که بر تخت تکیه زد و در هجده یا نوزده‌سالگی مرد. آن چه نام توتان خامون را مشهور کرد، پیدا شدن آرامگاه او بود که تنها آرامگاه غارت نشده یا دقیق‌تر بگوییم، به‌تقریب غارت نشده‌ی دلفین‌های فرعون بود (غارت‌گران بهر حال توانسته بودند دوبار به‌این آرامگاه وارد شوند).

تصور مصریان باستان، از جهان پس از مرگ، نمونه



گنج‌خانه‌ی آرامگاه توتان‌خامون، به‌همان صورتی که نخستین کاشف آن، کارتر، باستان‌شناس انگلیسی آن را به‌چشم دید. روی پایه‌ی، شغال سیاهی که محافظ در ورودی و تجسم خدای «آنویس» و پشتیبان مومیایی است، دیده می‌شود. او در پرده پیچیده شده است، چشمانش خاتم‌کاری و گوش‌هایش طلاکاری شده‌اند. پشت سر او سرگاری دیده می‌شود؛ همگی این‌ها، نمادهایی از جهان پس از مرگ است. پشت سر آن یک کمد چوبی طلاکاری قرار دارد که در داخل آن، درون جعبه‌ای از مرمر سفید، عضوهای داخلی توتان‌خامون که هنگام مومیایی بیرون آورده بودند، قرار دارد. سمت چپ، صندوق‌هایی با چیزهای گوناگون قرار دارد.

که از مصر دیدن می‌کردند، دره‌ی شاهان، را که مدت‌ها خالی و متروک مانده بود، پیدا کردند. استرابون نزدیک به چهل آرامگاه سلطنتی را که در دل غارهای سنگی با استادی کنده شده بودند، شمرده بود.

در آغاز سده‌ی یوزدهم، که اقدام به کاوش‌های باستان‌شناسی کردند چند آرامگاه دیگر را نیز که در گذشته، غارت شده بودند، پیدا کردند. در سال ۱۸۸۱، در کنار دره‌ی شاهان، نهان‌گاهی که چند سال پیش از آن، به‌طور اتفاقی به‌وسیله‌ی عرب‌های جویای گنج کشف شده بود، پیدا کردند. در پایان سده‌ی دهم پیش از میلاد، مومیایی چندتنی از مشهورترین فرعون‌های سلسله‌ی هجدهم و نوزدهم و نزدیک‌ترین خویشاوندان آن‌ها را به‌این‌جا منتقل کردند تا از دستبرد دزدان، در امان باشند (این مطلب، از کتیبه‌هایی که با عجله کنده شده‌اند، معلوم می‌شود). این مومیایی‌ها، ۳۶ عدد بود. ۱۷ سال بعد از آن، در سال ۱۹۱۸، توانستند ۱۳ مومیایی دیگر شاهان و عضوهای خانواده‌ی آنان را در آرامگاه، آمین خوتپ، دوم، که در گذشته مورد غارت قرار گرفته بود، پیدا کنند.

یک هیات که به‌خرج وت. دیویس، گروتمند امریکایی تشکیل شده بود، ضمن کاوش‌های خود از سال ۱۹۰۲ تا سال ۱۹۱۲ میلادی در دره‌ی شاهان، باز هم آرامگاه‌ها و نهان‌گاه‌هایی از فرعون‌ها و نزدیکان آن‌ها کشف کردند. آرامگاه‌ها ویران شده بودند. به‌ظاهر ادامه‌ی کاوش دیگر سودی نداشت: دست‌کم نظر «کاستون ماسپرو» بزرگترین مصرشناس و رئیس اداره‌ی کارهای باستانی مصر، چنین بود. ولی «هوارد کارتر» نظر دیگری داشت. به‌ویژه کشف‌های «دیویس»، اطمینان کارتر را درباره‌ی ادامه‌ی کاوش‌ها بیش‌تر می‌کرد. اندکی پیش از به‌پایان رسیدن کارهای



نخت رسمی توتان خامون، چوب خاکی با ورقه‌های طلا پوشانده و با شیشه‌های رنگی و بدال چینی آبی و سنگ‌های گرانبها، خاتم‌کاری شده است. دسته‌های صندلی به‌شکل مار بال‌دار که محافظ شاه است و پایه‌هایی به‌شکل پنجه‌ی شیر ساخته شده است. بر پشتی صندلی نقش توتان خامون و همسرش «آنخسن پآمزن» که مشغول مالیدن عطر به‌شهرش است، دیده می‌شود.

یکی از نخستین فرعون‌های سلسله‌ی هجدهم - توتان خامون - تصمیم گرفت تکه‌دارنده‌ی جدی‌ترین رازها باشد. در میان صخره‌های ساحل شرقی نیل، مقابل کشور «صدروزای»، «فیوه» که هم‌آن راستوده است، جای پریع و خمی در تپه‌هایی بی‌حاصل نهان شده است که عرب‌ها آن را «دروزای شاهان» و اروپاییان «دره‌ی شاهان» می‌نامند. فرعون با در نظر گرفتن همه‌ی جانب‌های دقیق و احتیاط، فرمان داد در این مکان برای او آرامگاهی بسازند. در سده‌ی یکم پیش از میلاد، «دیودور» تاریخ‌دان یونانی و جنرال‌دان هم‌عصر و هم‌وطن او، استرابون،



الاهه‌ی و سلکتیه، یکی از الاله‌هایی که عضوهای داخلی توران خامون در آن قرار داده شده است.

دیویس، او در نمان گاهی زیر صخره، جام ظریف و چینی بدل که نام توران خامون بر روی آن بود، پیدا کرد. در میان چیزهایی که دفن شده بود، صندوقچه‌ای پیدا کردند که نام‌های این فرعون و همسرش همراه با تصویرهای آنان بر صفحه‌ی زرینی که تکه‌های آن در درون صندوقچه قرار داشت، نقش شده بود. پیش از آن، در سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸، ظرف‌های مهرشده‌ای در زیر صخره‌ها به دست آمده بود. خرده سفال‌ها و قطعه‌های پارچه‌ی کتان و هر آن چه در نگاه اول خرت و پرت به نظر می‌رسید، نظر دیویس را به خود جلب نکرد و به‌انبار سپرده شد. اما وقتی باستان‌شناس امریکایی «ک. وینلوک» که نظرش به این ظرف‌ها جلب شده بود، به‌طور جدی به بررسی آن‌ها پرداخت، معلوم شد که زمانی در آن‌ها مهرهای گلی توران خامون، نمونه‌هایی از مهرهای گورستان سلطنتی، تکه‌های

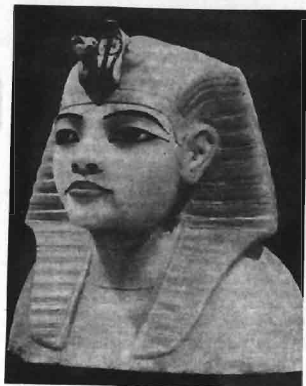
کلدان‌های گلی پر نقش و تکار، بندهایی برای بستن دسته‌های گل و خیلی چیزهای دیگر وجود داشته است. به‌ظاهر، این چیزها، هنگام به‌خاک سپردن توران خامون مورد استفاده قرار گرفته است. به‌این ترتیب، این امید به‌وجود آمد که قبر توران خامون در جایی در همان نزدیکی‌ها باشد.

این تصور درست بود. در دره‌ی شاهان و دور و بر آن، آرامگاه‌های هم‌هی فرعون‌های سلسله‌ی هجدهم و هم‌هی نمان‌گاه‌های «آمن خوتب» اول و مومیایی هم‌هی آن‌ها، به‌جز مومیایی توران خامون کشف شده بود. دره از یک طبقه کلفت زباله و ریگ پوشیده شده بود. کارتر تصمیم گرفت هم‌هی عمیق دره را پاک کند. هیچ‌گونه ضمانتی برای موفقیت وجود نداشت. تصمیم گرفتند کار را با بخش مثلثی شکل بین قبرهای رامسس دوم و رامسس ششم آغاز کنند پس از آن‌که توده‌های ریگ را برداشتند، در زیر در ورودی آرامگاه رامسس ششم، پی‌های کلبه‌های قدیمی که در آن کارگران سازنده‌ی قبرستان زندگی می‌کردند، پیدا شد. کلبه‌ها را دست‌نخورده باقی گذاشتند. حیف بود این یادگارها خراب شود، هرچند چندان هم مهم نبودند. در ضمن می‌باید راه ورود به آرامگاه رامسس ششم را هم، که مورد بازدید سیاحان بود، بسیندند. در سال‌های بعد، کاوش‌ها با پیش‌رفتی ناچیز ادامه داشت. به‌نظر می‌رسید، پیش‌بینی «ماسپرو» درست درمی‌آید. برد کارنارون، که مخارج این جست‌وجوها را می‌داد، بودجه‌ی کاوش‌ها را قطع کرد. «ک. کارلر» به‌دشواری توانست او را برای پرداخت هزینه‌ی کاوش‌های زمستان ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ قانع کند. اندیشه‌ی پی‌های کاوش‌نشده‌ی کلبه‌های کارگران قبرستان در کنار در ورودی آرامگاه رامسس ششم او را راحت نمی‌گذاشت. اول ژانویه ۱۹۲۲، کاوش‌ها آغاز شد. صبح زود چهارم ژانویه زیر پی نخستین کلبه، پله‌ای که در صخره

وامی گذاریم، زیرا هیچ کس بهتر از او نمی تواند نخستین احساس خود را در آن لحظه‌ها بازگو کند:

وقتی چشم‌ها اندکی به تاریکی عادت کردند، همه چیز در اتاق از میان تاریکی پیدا شد. در اتاق هیکل حیوان‌های عجیب، مجسمه‌ها و طلا دیده می‌شد. همه جا برق طلا به چشم می‌خورد... این لحظه برای کسی که پشت سرمن ایستاده بود، به اندازه‌ی ابدیت طولانی بود - من و او در شگفتی، گیج شده بودیم...

تأثیر این لحظه‌ها عظیم و قطعی بود. پیش از هر چیز سه بستر بزرگ طلاکاری شده در طرف راست ما از میان تاریکی دیده می‌شد. پهلوهای هر تخت از مجسمه‌های جانوری عجیب ساخته شده بود به همین علت، بدن آن‌ها به طرزی غیر طبیعی کشیده بود. در عوض سر این جانوران به طور خیره‌کننده‌ای طبیعی بودند. اندکی دورتر توجه ما به دو مجسمه‌ی سیاه که فرعون را تمام‌قد نشان می‌داد، جلب شد. مجسمه‌ها با پیش‌بندها و صندل‌های طلایی و هدیه‌های دوستان و یا طلسم‌های مقدس محافظ آن‌ها در روی پیشانی‌هایشان، درست مانند نگهبانان رو به روی هم ایستاده بودند. در فاصله‌ی بین آن‌ها و دوروبرشان چیزهای دیگری انبار شده بود: صندوق‌هایی با ظریف‌ترین نقش و تکارها و خاتم‌کاری‌ها، ظرف‌هایی از مرمر سفید که در برخی از آن‌ها نقش و تکارهایی حکاکی شده بود. تابوت‌های سیاه عجیبی به شکل تن آدم‌که از درجه‌ی باریکی از آن‌ها، مار عظیم زران‌دوزی دیده می‌شد؛ دسته‌هایی از گل و برگ، صندلی‌های زیبای کنده‌کاری، تخت خاتم‌کاری با طلا، کوهی از قاب‌های سفید رنگ، عصاها و چوب‌دستی‌هایی با شکل‌ها و طرح‌های متنوع، درست در برابر



مجسمه‌ی توتان خامون
از مرمر سفید

کنده شده بود، کشف کردند. پس از آن پله‌ای دیگر پیدا شد. در ضمن دو روز دوازده پله را پاک کردند. سرانجام بخش بالایی در، که روی آن اثر مهرهای سلطنتی گورستان به روشنی دیده می‌شد، خود را نشان داد. وقتی پله را خوب پاک کردند، در با اثر مهرهای توتان خامون، به طور کامل از زیر خاک درآمد و سرانجام آن چه را کارتر زمانی دراز چنین بی‌گیرانه به دنبالش بود، پیدا کرد. روز ۲۶ نوامبر، که به گفته کارتر درخشان‌ترین روز زندگی او بود، یک راه‌رو ده متری باریک را تا آخر پاک کردند و کارتر به دري مهر و موم شده تکیه داد که در طرف دیگر آن، سر چوبی رنگارنگ بسیار عالی که توتان خامون را به صورت بچهای مجسم می‌کرد، قرار داشت. کارتر در گوشه‌ی بالایی، روزنه‌ی کوچکی ایجاد کرد و شمع را به درون آن فرو برد. اکنون بقیه‌ی سخن را به خود کارتر



مجسمه‌ی کوچک فرعون و آمن خوتب، سرم که در گنج‌خانه‌ی آرامگاه کشف شد.

شده با عتیق و شیشه‌های رنگی پوشانده شده بود. توتان خامون به صورت فرمان‌روای دنیای زیرزمینی - خدای ایزد پریس - مجسم شده بود. خط‌های چهره‌ی فرعون جوان، صرف‌نظر از برخی تغییرها، با واقع‌گرایی بی‌اندازه‌ای بازگو شده بود.

طلمس فرمان‌روایی شاهی را با تاج گل کوچکی پوشانده بودند. گل‌کنده‌هایی که این تاج گل از آنها ساخته شده بود، بعدها این امکان را به وجود آورد تا فصل تدفین فرعون را معین کنند. این گل‌ها از میانه‌های مارس تا آغاز آوریل در مصر می‌رویند.

باید جنازه‌ی فرعون را بیرون می‌آوردند. این کار خیلی دشوار از آب درآمد. در زمان خاک‌سپاری، آن‌قدر عطرهای گران‌بهای گوناگون، بدنشاهی ارج‌شناسی مصریان، روی تابوت طلایی و خود مومیایی ریخته بودند که آن‌ها را در توده‌ای از صمغ سیاه و چسبناک شناور کرده بودند. عطرها دو تابوت آخری و ماسک و مومیایی را به هم چسبانده بودند.

چشمان ما... جامی بسیار عالی از مرمر سفید نیمه‌شفاف به شکل گل لوتوس قرار داشت. در سمت چپ، ارابه‌های واژگون شده که طلا و مثبت‌کاری‌هایشان می‌درخشید، دیده می‌شد. پشت آن‌ها باز هم مجسمه‌ای از فرعون دیده می‌شد.

در این خانه تنها امکالی برای توصیف، بلکه حتی برای شمردن صدها چیزی که در آرامگاه کشف شده بود، وجود ندارد. بسیاری از این چیزها تاکنون به دست نیامده‌اند و اهل فن، تنها از طریق نقش برجسته‌ها، آن‌ها را می‌شناسند. کالی است گفته شود که موزه‌ی قاهره برای نمایش چیزهایی که در آرامگاه توتان خامون پیدا شده بود، سیزده سال را اختصاص داده بود.

کشایش آرامگاهی که بدن فرعون در آن بود، تنها در چهارمین فصل فعالیت‌ها که از اکتبر ۱۹۲۵ تا ماه مه ۱۹۲۹ ادامه داشت، ممکن شد. در تابوت، چهار جسم زران‌دود و خاتم‌کاری و پوشیده از واژه‌ها و وردهایی از متن‌های سحرآمیز که یکی در داخل دیگری بود، قرار داشت. وقتی تابوت‌ها را باز کردند با دشواری نامنتظری روبه‌رو شدند. در داخل تابوت اول که چوبی و طلاکاری شده بود، تابوت دیگری به‌تقریب به‌همان شکل قرار داشت که با پوششی پوشانده شده بود. این دو تابوت چنان بهم چسبیده بودند که جدا کردن آن‌ها، تلاشی عظیم را می‌طلبید. سرانجام این پوشش هم برداشته شد و باز درخشش طلا به چشم خورد و معلوم شد تابوت سوم به‌کلی از طلا ساخته شده است. طول این تابوت ۱۸۵ سانتی‌متر، کلفتی ورقه‌های طلا ۲/۵ تا ۳/۵ میلی‌متر و وزن آن ۱۱۰ کیلوگرم بود. این تابوت شاه‌کاری منحصر از هنر جواهرسازی است. تابوت با فیروزه و عتیق خاتم‌کاری شده بود. روی شانه‌ها و صورت مومیایی با ماسکی از طلای خاتم‌کاری



شاهزاده خانم لاتی‌ای (چوب سیاه خاتم کاری) و ماسک طلایی توتان خاموت (سمت چپ)، مقایسه‌ی این دو چهره شباهت انکارناپذیر آن‌ها را می‌رساند.

آتش‌فشانی خاتم کاری شده بود، به گونه‌ای شیرعادی زنده و مویشار به نظر می‌آمد. اتویس جسم زرینی را که عقب‌تر در مرکز گنج خانه قرار داشت و عضوهای درونی فرعون را هنگام مومیایی شدن جسدش در درون آن قرار داده بودند، محافظت می‌کرد.

گنج خانه بعد از تابوت خانه، مهم‌ترین محل آرامگاه بود، انواع نمادهای سحرآمیز و چیزهای مربوط به مراسم خاکسپاری وجود داشت. تعداد بسیاری جعبه‌های سیاه، صندوق‌ها و صندوقچه‌های فندمانند، شامل ۲۷ مجسمه‌ی کوچک خدایان و ۷ مجسمه‌ی کوچک از توتان خامون نیز در این اتاق بودند. روی صندوق‌ها و صندوقچه‌ها نمونه‌هایی از کوبه‌های کشتی‌ها - و قایق‌های ساده گرفته تا ناوهای پارویی و بادبانی اتاق‌دار - انباشته بود. این کشتی‌ها برای دریانوردی شاه در جهان دیگر آماده شده بود. در این جا، یک مدل چوبی انبار غله پر از گندم هم وجود داشت. جلو دیوار رو به‌رو، صندوقچه‌هایی که با استخوان فیل و چوب آبنوس منبت‌کاری پر شده بودند، وجود داشت. آزمایش‌های بدنی نشان داد که در ساختن یکی از این صندوقچه‌ها، نزدیک به ۴۵ هزار

ماده‌ی صمغی، ضمن اکسید شده، گل‌گشته از سوزاندن نوارها و پارچه‌هایی که مومیایی در آن پیچیده شده بود، حتا به استخوان‌ها نیز نفوذ کرده بودند. ناچار شدند با احتیاط بسیار و به یاری لامپ‌های پارالین، حرارت را تا ۵۰۰ درجه بالا ببرند تا این مواد ذوب شوند.

یازدهم نوامبر سال ۱۹۲۵، کارتر و پززشکان کالبدشناسی که به‌ویژه برای این کار دعوت شده بودند، نخستین برش‌ها را روی پوششی که بدن توتان خامون را مسی پوشاند، وارد کردند. پوشش‌ها را تکه‌تکه برمی‌داشتند و برای این کار، نخست آن را با پارالین خیس می‌کردند. پوشش‌ها تا حد زیادی ذغال شده بودند. از روی مومیایی و پوشش‌های آن، صد و چهل و سه چیز مختلف به‌دست آمد: گونه‌های خنجر، بازوبند، انگشتر، نمادهای قدرت سلطنتی و همه‌گونه آویزه و طلسم. بسیاری از این چیزها از طلای خاص بودند که با سنگ‌های گران‌بها، شیشه‌ی رنگی و بدل چینی، زینت یافته بودند. شایان توجه خنجری بود که تیغه‌ی آن از آهن ساخته شده بود و این، یکی از قدیمی‌ترین چیزهای آهنی در مصر است. ارزش این خنجر از آن‌جا معلوم می‌شود که آن‌را در تابوت فرعون گذاشته بودند. آکادمیسین ب. پ. پیوتروفسکی که در زمینه‌ی تزیینات قبضه‌ها و چاقوها مطالعه می‌کرد، این فرضیه را، که خیلی هم بی‌اساس نیست، اعلام کرد، خنجر را استادان آسیای صغیر یا سوری که در دره‌ی نیل زندگی می‌کردند، ساخته‌اند.

توتان خامون صندوق‌های زرینی به‌ها داشت. انگشتران دست‌ها و پاهایش را با شفاف‌های زرین جواهرکاری پوشانده بودند.

در جنب تابوت خانه، گنج‌خانه واقع شده بود. در جلو در ورودی آن، مجسمه‌ی خدای آتویس در سیمای شغال که در کتان پیچیده بود، در میان تاریکی به چشم می‌خورد. چشمان جانور که با طلا و شیشه‌ی

تکه چیز به کار رفته است. صندوقچه‌های دیگر که از چوب صیتلی و با سقف منحنی سفید بودند، با گونه‌های جواهرهای تزئینی دیده می‌شد. کارتر اعتقاد داشت، دزدان نزدیک به ۶۰ درصد چیزهای گران‌قیمت گنج‌خانه را برده‌اند.

در امتداد همان دیوار شمالی، چیزهای دیگری نیز وجود داشت: باز هم نمونه‌هایی از کشتی، جعبه‌ی تزئین شده برای کمان و دو ارابه‌ی شکاری، بخش‌های جدا شده‌ی این ارابه‌ها، به‌همان ترتیب ارابه‌های اتاق اول، روی هم چیده شده بود. پس از این‌ها ده قفسه‌ی کوچک چوبی سیاه یا مجسمه‌های کوچکی قرار داشت. این مجسمه‌های کوچک که از بدل چینی و گل و چوب ساخته شده بودند، باید در جهان پس از مرگ، کارهای مربوط به کشاورزی را انجام دهند.

دو چیز از این گنجینه، مصر شناسان را خیلی به‌خود جلب می‌کند. در یک جا که مهر قبرستان سلطنتی در آن خورده، چهار تابوت قرار دارد و در آخرین آن‌ها که نام و لقب‌های شاه‌زاده خانم «تی‌ای» بر آن دیده می‌شود، یک دسته مو با دقت در پارچه پیچیده شده است که بی‌تردید به «تی‌ای» مربوط بود. در تابوت سوم یک مجسمه‌ی طلایی کوچک به‌طول ۵۳ میلی‌متر از مهر او و فرعون «آمن خوتپ» سوم را پیدا کردند. به‌نظر می‌رسد، این یادگارها می‌توانند دلیلی بر خوشاوندی «آمن خوتپ» و «تی‌ای» با توکان خامون باشد. ولی این‌که او پسر یا نوه‌ی آن‌ها بوده است، هنوز روشن نشده است.

مدرک‌ها و دلیل‌های زیادی وجود دارد که کمان می‌رود، بخش بزرگی از چیزهای موجود در آرامگاه، بعد از مرگ فرعون ساخته شده‌اند. چه در مجسمه‌ها، چه در ماسک طلایی چهره‌ی فرعون و سایر چیزها، صرف‌نظر از کمال هنری آن‌ها، الزامات شتاب، آشکار است. جواهرها را به‌ظاهر دیرتر و هنگام بستن در آرامگاه، کار گذاشته‌اند.

کشف آرامگاه توکان خامون، چه چیزی به‌دانش

افزوده است؟

هر قدر که عجیب به‌نظر آید، باید گفت: هیچ چیز به‌آگاهی‌های تاریخ مصر در این دوره به‌تقریب افزوده نشد. در آرامگاه، با تلف بسیار برای تاریخ‌دانان و واژه‌شناسان، نه سندی پیدا شد و نه متن تاریخی جدیدی.

چنانچه آشکار است، مصر در زمان آخرین فرعون‌های سلسله‌ی هجدهم، که تولان خامون یکی از آن‌ها است، به‌اوج قدرت خود رسیده بود. سرزها به‌طول ۳۲۰۰ کیلومتر از شمال به‌جنوب امتداد داشت. از این دوره الزامات تاریخی زیادی به‌دست آمده است. در ضمن، درباره‌ی این عصر، معماهای زیادی هم وجود دارد، معماهایی حل‌نشده و جالب. این عصر، مربوط به‌نخستین اندیشه‌های توحید است که بی‌تردید نسبت به‌سطح اندیشه‌های آن روزگار، پدیده‌های مترقی به‌حساب می‌آید. در ضمن عصر جهش‌های الهام‌آمیز هنر و ادبیات و شخصیت‌های فوق‌العاده‌ی فرعون، «التاون» و همنسرخ «نفرتی‌کی» است.

وقتی «آمن خوتپ» سوم در مرز میان سده‌های پانزده و چهارده پیش از میلاد، یا کمی دیرتر بر تخت نشست، هیچ‌کدام از شاهان کشورهای دور و بر، تجارت رقابت با او را نداشت.

«آمن خوتپ» سوم، برخلاف سنت رایج، با «تی‌ای» که از خانواده‌ی سلطنتی نبود، ازدواج کرد. از این ازدواج «آمن خوتپ» چهارم فرعون آینده‌ی مصر - که «آمن خوتپ» سوم در آخرهای زندگی خود بنا به‌رسم آن زمان، او را به‌ولیعهدی خود انتخاب کرد - متولد شد و نه «تی‌ای» و نه پسرش از محبت و پشتیبانی بزرگان و روحانیان - که علاقه‌مند به‌محدود کردن قدرت فرعون بودند - برخوردار نبودند. این دو گروه، ثروت‌های سرشار و زمین‌های گسترده‌ای برای خود جمع‌آوری کرده بودند. برای ضعیف کردن فرعون، لازم بود سلاح اصلی او را - یعنی نفوذ خداگونه‌اش را -

از او گرفت و آن را بر اساس دین کهن، متزلزل کرد.
 دین قدیمی برای امپراتوری جهانی، که به وسیله فرعون‌ها ایجاد شده بود - قابل قبول نبود. این دین، همراه با سلسله مراتب و شکل‌های پیچیده‌ی خود، کهنه شده بود و برای ساکنان کشورهای که از طرف مصر، تصرف می‌شد، نامفهوم و بیگانه می‌نمود.
 «آمن خوتب» چهارم، با آساز سلطنت خود، پرستش خدای تازه - آتون - قرص خورشید را برقرار کرد و به آن در میان خدایان دیگر، مقام برجسته‌تری داد. در مصر، از روزگاران کهن، خورشید را، با نام‌های گوناگون، ستایش می‌کردند و «آمن خوتب» خود را کاهن بزرگ بزرگ «آتون» نامید و دست به ساختن معبدهای تازه‌ای در آن کرد. شاه، آدم‌های تازه‌ای را، که همیشه هم از بزرگان و اصیل‌زادگان نبودند، دور خود جمع کرد. «آمن خوتب» چهارم در حدود سال ششم سلطنت خود، «آمون» را «خدای یگانه» اعلام و پرستش خدایان دیگر را ممنوع و معبدهای آن‌ها را بست و به‌ظاهر، کاهنان این معبدها را پراکنده کرد. به‌ویژه نام «آمون» که کاهنان آن مورد نفرت فرعون بودند، با جدیت بیش‌تری زدوده شد. «آمن خوتب» نام خود را به «افناتون» (یعنی مورد مهر آتون) تغییر داد. او برای این‌که با همه‌ی سنت‌های گذشته قطع رابطه‌ی کامل کند، پای تخت لیاکان خود - «فیوه» - را ترک کرد و اقامتگاهی به‌تقریب در ۲۵۰ کیلومتری شمال آن (جایی که اکنون «دل امر تاه نام دارد) بنا نهاد و آن را «آخه تاتون» - به‌معنای «افق آتون» - نامید. اکنون کله‌ی «دل امر تاه» به آن گفته می‌شود و همه‌ی دوران سلطنت «افناتون» و سال‌های نخستین بعد از آن را، دوره‌ی «امارن» می‌نامند.

همسر «افناتون»، «نفرتی‌تی» بود که از فرار معلوم خود را کم‌تر از شوهرش وقف خدای جدید نکرده بود. «نفرتی‌تی» شش دختر به‌دنیا آورد.
 «افناتون» در سال سی‌ام سلطنت خود، دختر بزرگش را به‌شاهزاده‌ای شوهر داد و دختر دیگری

«آتخین یا آتون» بعدها همسر «توتان خامون» شد. درباره‌ی اصل این دو شاهزاده آگاهی‌های کاملی در دست نیست. همه‌ی فرضیه‌ها و حدس‌های مصرشناسان به‌این‌جا می‌رسد که: هر دوی آن‌ها نابرداری‌های «افناتون»، یا پسران او از زنان دیگر بودند. فرضیه‌ی اول، با کشفی که در سال ۱۹۰۷ به‌وسیله «د. دیویس» در «دره‌ی شاهان» در آرامگاه شاهزاده خانم «تی ای» شد، و ضمن آن یک مومیایی از مرد جوانی که به‌عقیده‌ی برخی‌ها همان شوهر دختر بزرگ‌تر است، تقویت می‌شود. در آرامگاه توتان خامون، همان‌طور که پیش از این اشاره شد، یک دسته موم‌تعلق به «تی ای» و یک مجسمه کوچک طلایی «آمن خوتب» به‌دست آمد. مومیایی‌ها «دسمن هه کارا» - شوهر دختر بزرگ‌تر «افناتون» - و «توتان خامون»، شباهتی انکارناپذیر با تصویرهای «افناتون» دارند. مجسمه‌های آن‌ها، عقب کشیده شده‌اند. از شباهت‌های دیگر چهره‌ها، دیگر سخنی نمی‌گوییم.

عمر «دسمن هه کارا» کوتاه بود. زمان درست مرگ او معلوم نیست. برپایه‌ی برخی نقش‌ها در آرامگاه، می‌توان چنین پنداشت که «افناتون» بیش‌تر از شوهر دختر بزرگ خود زندگی کرد و توتان خامون را وقتی که ده ساله بود، به‌جانشینی خود برگزید.

از متن بزرگی که به‌وسیله‌ی توتان خامون در معبد اصلی مصر نصب شده است و به‌خدای آمون اختصاص دارد، چنین برمی‌آید که او پرستش خدایان کهن، از جمله آمون را احیا کرد و ثروت و امیال کاهنان این خدایان را به آن‌ها بازگرداند. توتان خامون، بعد از مرگ «افناتون»، سه سال در «آخه تاتون» بود. تنها پس از این‌که کاهن‌های آمون و بزرگان اشراف‌زاده، به‌طور قطع نیرومند شدند به «فیوه» منتقل شد. اما به‌ظاهر، پرستش هر دو خدای «آتون» و «آمون» با هم در مدت کوتاهی ادامه داشته است. در مدرکی که در موزه‌ی لندن‌گراد تکه‌داری می‌شود، توتان خامون در حال پرستش «آمون» است. هر قدر هم عجیب به‌نظر

آید، بازگشت به پرستش خدایان قدیم، به ویژه در زمان توتان خامون بوده است. آشتی با کاهنان و اشراف از راه دادن امتیاز به آنان، که نقش اساسی در این امر را کسانی که فرعون جوان را احاطه کرده بودند، به عهده داشتند، تا اندازه‌ای موجب دشواری وضع متزلزل کشور شد.

این‌ها همه‌ی آن چیزهایی است که درباره‌ی سلطنت نه ساله توتان خامون می‌دانیم.

در عوض، برای مورخ مذهب و به ویژه برای مورخ هنری و فرهنگی، ارزشیابی و اهمیت آن چه در آرامگاه پیدا شده است، آسان نیست. در این جا، هنر این زمان، از لحاظ تأثیر هنری و کمال فنی شکفتن انگیز است، هنری که از هنر سده‌های پیش و بعد از خود متمایز است.

مجسمه‌سازان و نقاشان مکتب «آمارن» برخلاف استادان پیش از خود، از ایده‌آلیزه کردن سیمای فرعون خودداری می‌کردند. آن‌ها گوش می‌کردند، فرعون و نزدیکانش را، همان‌گونه که در زندگی واقعی خود بودند، نشان دهند. خط‌های واقع‌گرایی که به‌طور عمده در هر جا (عملی، تطبیقی، تجربی) و در نقل‌کنندگان صحنه‌هایی از زندگی روزانه، نموده می‌شود، در این دوره بارزتر می‌شود. در زمان «الخالون» و «توتان خامون» چنان شاه‌کارهایی از مجسمه‌سازی، نقاشی و جواهرسازی خلق شده‌اند که اکنون، بی‌چون و چرا، در شمار برجسته‌ترین یادگارهای هنر خلاق

جهان قرار دارند. کاسی است مجسمه‌ی نیمه‌تنه‌ی «نفرتی تی، و یا ماسک طلایی توتان خامون را به یاد آوریم.

هنرمندان را، صرف‌نظر از نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های باشکوهی که مدح‌کننده‌ی فرعون به‌عنوان یگانه فرمان‌روا هستند، نجسم صادقانه‌ی زندگی و هستی آن‌ها در این الرهاست که آدمی را شیفته‌ی خود می‌کند. حالت تصویرهایی که با قلم نقش و یا حک می‌شوند، آزاد، بی‌تکلف، روان و خوش‌فرم است.

شیوه‌های نقاشان، با نرمی خط‌ها، یا احساس شگفت‌انگیز هم‌آهنگی، زیبایی، دقت و ظرافت متمایز است. همه‌ی این ویژگی‌ها به‌گونه‌ای روشن درباره‌ی آن چه در آرامگاه توتان خامون پیدا شده است - از جمله روی تکیه‌گاه تختی که او با همسرش بر آن نقش شده است - یا روی نقش‌های برجسته‌ای که صفحه‌های زرین دیواره‌های صندوقچه را می‌پوشاند، به چشم می‌خورد.

شگفت‌انگیز است که استادان کهن، ضمن نه سال حکومت این فرعون جوان فرصت کرده‌اند چنین اثرهای بزرگ و باشکوهی را به‌وجود آورند. حکاکی‌ها، مجسمه‌سازی‌ها، نقاشی‌ها و جواهرسازی‌هایی که به‌وسیله‌ی افراد گمنامی به‌وجود آمده و بعد از سی و سه سده به‌ما رسیده است، امروز هم به‌مالدت هنری حقیقی می‌بخشد.

بالا: نمای پهلویی ستون‌نجه‌ی پر نقش و نگاری که حاری لباس‌های توتان خامون بود. وسط چپ: آویزه‌ای که روی مومیایی توتان خامون پیدا شد. نقش الاهی‌های مصر جنوبی که به‌صورت کرکس است در جنگال‌های کرکس حلقه‌هایی وجود دارد که نمادی از گردش دورانی است. پشت آویزه از طلای یک تکه ساخته شده است.

وسط راست: ماسک چهره‌ی توتان خامون و یکی از عالی‌ترین اثرهای جواهرسازی مصر باستان که بر مومیایی فرعون پوشانده شده بود. ماسک از طلای یک پارچه‌ی کوبیده با خمیر شیشه‌ی رنگی و سنگ‌های قیمتی خانم‌کاری تزئین شده است. روی پیشانی ماسک الاهی‌های حامی قدرت شاهی - مار و کرکس - نصب شده‌اند. وزن ماسک، ۹ کیلوگرم است.

پایین صفحه، یکی از صفحه‌های طلایی با نقش‌های برجسته که مجسمه‌ی کرچک طلایی فرعون یا به‌احتمالی، یکی از خدایان را، که بعدها به‌وسیله‌ی غارت‌گران برده شده، نگهداری می‌شد. توتان خامون در حال ریختن عطر به‌دمت همسرش می‌باشد.



